

آخرین مردم

یاران صادق

دشمنی ریشه‌دار قریش

از بیگانگان بترس!



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پروردگارا! در چنین روزی با تو تجدید عهد  
میکنم تا بعد از این، در تمام روزها این عهد و  
بیعت بر گردنم بماند: تغییر نیابد و هرگز از بین نرود.

بفشر از «دعای عهد»

## آنچه در نوعهدان ۲۱ می خوانید...

حرف اول: سهم من، سهم تو / ۴

پله‌های احساس: خورشید در رکابت / ۶

عبرت ایام: رمضان، یاران صادق / ۱۶

داستان: خدا می شویم؟ / ۲۰

آشنای غریب: ویژگی‌های امام زمان (عج) - ظهور مُصحف / ۸

نشانه‌های آمدن: آخرین مردم / ۱۰

پرسش از موعود: همراهان امام زمان (عج) در دوران غیبت / ۱۲

ردپا: پیشوایان تاریکی - دشمنی ریشه‌دار قریش / ۲۲

حرف حساب: از بیگانگان بترس! / ۲۴

سواد رسانه: فاینگ داری؟ / ۲۶

خوش اخلاق: بوش خوش بدهیم! / ۳۰

آیا می دانید؟!... : چطوری طبیعت را نابود کردیم؟ / ۳۴



مدیرمسئول و سردبیر:

اسماعیل شفیعی سروستانی

هیئت تحریریه:

مریم محبتی، مریم پاک آئین، شیدا سادات آرامی

طراح و صفحه‌آرا:

سمانه تقفی

پانزده خرداد  
یک هزار و سیصد و چهل و دو  
مبدان نهضت اسلامی ایران است

نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۲۳

شماره تماس موعود: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۰۳۷

نشانی: تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۸۳۴۷

فروشگاه اینترنتی محصولات موعود: www.yaranshop.ir

نشانی در پیام‌رسان‌ها: @mouood\_org

# سهم من، سهم تو

سردبیر

خوب می‌دانم که تو مثل بقیهٔ جوانان این سرزمین، شاهد و ناظر گلایه‌ها، شکایت‌ها، نگرانی‌ها و دلواپسی‌های این مردم هستی که در انتظار فردایی متفاوت و البته بهتر با هم گفت‌وگو می‌کنند.

همین گفت‌وگو و همین گلایه‌ها، امروزه از مردم «ایران» و مخصوصاً جوانان، جمعیتی هوشیار، نقاد و آگاه ساخته است؛ چنان که بی‌اغراق از روشن‌ترین و اندیشمندترین مردم امروز جهانند. آنها خوب می‌فهمند که پیرامونشان چه می‌گذرد و هیچ تبلیغ و سر و صدایی هم نمی‌تواند آنها را فریب دهد. این خود نشانهٔ زنده بودن است. زنده بودنی که بی‌تردید همراه با رنج، هیجان، اضطراب و نگرانی است.

من و تو حق داریم بدانیم با سرمایه‌های مادی و فرهنگی‌امان چه می‌کنند، حق داریم بدانیم با هویت و باورهایمان چه می‌کنند، حق داریم علت بی‌سامانی و آشفتنگی‌ها را بدانیم، حق داریم بخواهیم حضور و حیاطمان را باور داشته باشیم و قبول کنند که می‌فهمیم و در بسیاری اوقات برای حل مشکلات ریز و درشتی که اطرافمان را فرا گرفته، راه معالجه سراغ داریم. حق داریم که بخواهیم گرسنگی و سیری را عادلانه میان ما تقسیم کنند. این حق ماست که بدانیم به کجا می‌رویم و از کدام مسیر می‌رویم...

دوست عزیز! اگر تا فردا صبح هم بنویسیم، ذکر این حقوق تمام نمی‌شود. حقوقی که نگهبانی از همهٔ اینها، بر عهدهٔ نظام اجتماعی و سیاسی است؛ اما در هیچ کجا این حقوق یک طرفه وضع نشده است.

اگر خوب بنگریم، در می‌یابیم که ما بر حق خود، حق مردم، حق جهان و طبیعت و حق خداوند ظالمانه می‌تازیم.

چه کسی برای من و تو این حق را قائل است که همهٔ آسودگی اهل خانه، همسایه‌ها و همشهری‌ها را فدای خودخواهی خودمان کنیم؟ تک‌تک آنها را به خدمت خود آوریم، بی‌آزاریم و به قولی، دو قورت و نیممان هم باقی باشد؟

آیا این حق ماست بی‌آنکه سهمی در درآمد و خدمت خانواده و محافظت از اجتماع داشته باشیم، از سرمایهٔ خانه، عمر و حیات پدر و مادر، امکانات مدرسه و بالاخره آسمان و زمین و کوی و برزن بهره ببریم و آنگاه بزرگترین نقش را در بروز دغدغه‌های خانوادگی، نگرانی والدین، رنج اولیای مدرسه، سلب آسایش مردم کوچه و بازار و اتلاف نعمت‌های خداوند نیز داشته باشیم؟! راستی ما برای دیگران چه کرده‌ایم؟ و دیگران برای ما...؟

گویی فراموش کرده‌ایم که ما در برابر آنچه می‌کنیم، می‌گوییم، می‌خوریم، می‌پوشیم و مقداری از سرمایه‌های خدادادی را که خرج می‌کنیم، مسئولیم و ناگزیر دیر یا زود باید پاسخگو باشیم و این نیز حق خداوند است که در ازاء همهٔ نعمت‌هایش، از ما سؤال کند.

خداوند به همهٔ ما فرصت درک حقوق خود و دیگران و اجرای عدالت دهد. ان‌شاءالله.



# خورشید در رکابت

محمدرضا افراشیپور

خورشید در رکابت، باران صدای پایت  
صدها طلوع شرقی، لبخند دلگشایت  
در چشم‌های نابت، عشقی است سرخ و جاری  
صدها فناری باغ، دل‌بسته صدایت  
سبز است از دل تو، باغ بهاری عشق  
صدها جوانه روید از خاک جای پایت  
من بی‌تبسم تو، آرامشی ندارم  
ای خنده‌های سبزت، بی‌مرز، بی‌نهایت  
باز آ‌ ببین که دستم دیگر صدا ندارد  
چشم‌انتظار دستت بنشسته تا قیامت



# ویژگی‌های امام زمان (عج): ظهور مصحف

مریم پاک‌آئین

با شروع غیبت امام عصر (عج) بسیاری از چیزها هم‌زمان، در پرده‌ای دور از دسترس قرار گرفتند. برای مثال آرامش ناشی از رهبری که هر لحظه می‌توان به او دست یافت، احساس اطمینان در رابطه با احکام دین، برخی از میراث انبیاء و اوصیا و بسیاری از فواید دیگر از دسترس انسان‌های آخرالزمان خارج شد.

هم‌زمان با ظهور امام عصر (عج)، بسیاری از چیزهای دیگر ظهور می‌کنند؛ از آن جمله، مصحف (به معنای کتاب) یا همان قرآنی است که روزی به دست امیرالمؤمنین علی (ع) جمع‌آوری شد و هرگز به دست غیر امامان نرسید؛ قرآنی که واو به واوش، همان‌طوری نوشته شده است که بر رسول اکرم (ص) نازل شد.

## ماجرای مُصحف امیرالمؤمنین (ع)

پس از رحلت رسول اکرم (ص) و به سفارش آن حضرت، حضرت علی (ع)، مدّتی از خانه بیرون نیامدند و به جمع‌آوری قرآن پرداختند. پیش از آن، قرآن بر کاغذها و سنگ‌ها و پوست‌ها نوشته شده بود؛ ولی تا آن زمان، کسی آن را به ترتیب وحی، مرتّب نکرده بود و البته هیچ کس همچون حضرت علی (ع)، به ترتیب نزول آیات آگاه نبود.

پس از اتمام این کار، امام، این قرآن را نزد ابوبکر آوردند و در مقابل دیگر صحابی به او عرضه کردند. ابوبکر زمانی که قرآن را باز کرد، از همان صفحات نخست، سخنانی راجع به غاصبان حکومت امیرالمؤمنین (ع) یافت. در همین لحظه عمر بن خطاب، بلند شد و به امام گفت: یا علی! آن را برگردان که ما به آن نیازی نداریم. امام نیز قسم خوردند که دیگر هرگز آن قرآن دیده نخواهد شد تا وقت معلومش برسد و فرمودند: «هرگاه قائم (ع) از فرزندان من خروج کند، آن را ظاهر می‌کند و مردم را بر آن وا می‌دارد. پس سنت بر آن [اساس] جاری می‌شود.»<sup>۱</sup>

## ماجرای ظهور قرآن

چنانچه از روایت بالا فهمیدید، مصحف حضرت علی (ع)، از امامی به امام بعد منتقل شد و در نهایت به دست امام عصر (عج) رسید. امروز نیز در دست ایشان است.

در زمان ظهور، امام عصر (عج)، این کتاب را بر مردم عرضه می‌نمایند و مردم بر اساس آن بر تکالیفشان عمل می‌نمایند.

امام باقر (ع) فرمودند: «هرگاه قائم آل محمد (عج) خروج کند، خیمه‌هایی برپا می‌کند برای آنکه قرآن را به نحوی که نازل شده به مردم تعلیم دهند، پس مشکل‌ترین کار بر آنان خواهد بود که امروز آن را حفظ نمایند؛ زیرا آن قرآن، در ترتیب با این قرآن مخالفت دارد.»<sup>۲</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. طبرسی، «الاحتجاج»، ج ۱، ص ۲۲۵.
۲. شیخ مفید، «الارشاد»، ج ۲، ص ۳۸۶.

# آخرین مردم!

پ. میعاد



حتماً شما هم دیده و شنیده‌اید که این روزها خیلی از پدر و مادرها مورد بی‌احترامی قرار می‌گیرند<sup>۳</sup> کسب درآمد حلال، مثل قبل، اهمیت ندارد و حتی بسیاری از مردان و زنان به رشوه‌خواری و ربا رو آورده‌اند.<sup>۴</sup> در زمانه‌ای که مردم به هم دروغ می‌گویند و در ظاهر دوست دارند و در درون دشمن می‌دانند،<sup>۵</sup> مؤمنان گوشه‌گیر شده‌اند و دین‌داری عجیب و غریب،<sup>۶</sup> زمین و زمان از انسان قهرشان گرفته‌است. به همین دلیل باران نمی‌بارد و زلزله و سیل زیاد شده است!<sup>۷</sup>

مواردی که امروز در هر کوچه و خیابان شاهدش هستیم، همان مطالبی است که پیش از این‌ها، اهل بیت(ع) برای ما در روایات پیش‌بینی کرده بودند و گفته بودند که مردم آخرالزمان به چنین عاقبتی گرفتار می‌شوند. این روایات هشدار است برای مردم عصر غیبت که بدانند که کدام راه، آنها را به مقصد خداوندی می‌رساند. به ما هشدار داده‌اند که: «هیچ زمانی پیش نمی‌آید؛ جز اینکه زمان بعدی بدتر از آن است».<sup>۸</sup> اما از همین روایات هشدارآمیز، می‌توان مژده و بشارتی دریافت و آن اینکه: در زمان همین مردمی که راه گم کرده‌اند، به دعای مؤمنان غریب و دل‌شکسته این دوران غیبت، سپیده ظهور امام زمان(عج) سر می‌زند و بهترین مردمان را گرد هم می‌آورد.

**آری! پایان شب سیه، سپید است!**

بی‌نوشت‌ها:

۱. «منتخب الاثر»، ص ۴۳۸.
۲. همان
۳. «بشارة الاسلام»، ص ۱۳۴.
۴. «الامام المهدي(عج)»، ص ۱۵۸.
۵. «نهج البلاغه»، ص ۱۵۷.
۶. همان.
۷. «نهج الفصاحه»، ج ۱، ص ۴۲.
۸. «روزگار رهایی»، ج ۲، ص ۷۰۱.

منبع: کامل سلیمان، «روزگار رهایی»، ترجمه علی اکبر مهدی‌پور، ج ۲، صص ۷۰۱-۷۳۱.

صد سال قبل از این خانواده‌ها زیر فرمان پدر یا مرد خانواده بودند. پدر به تنهایی با زور بازو، نان در می‌آورد و در آوردن نان حرام برایش ننگ و عار بود. حتماً از مادر بزرگ و پدر بزرگ‌ها شنیده‌اید که در زمان آنها مردم در کارهای خیر همیاری می‌کردند، پدر و مادر ارزشی برابر گوهران بهشتی داشتند و کسی جلوی آنها پایش را دراز نمی‌کرد و انسان‌های مؤمن مورد احترام بودند.

اما امروز پدر پدرها مثل قبل عزت و احترام ندارند<sup>۱</sup> و گاهی می‌بینیم که مردان در خانه نشسته‌اند و زنان مشغول کسب درآمد هستند؛<sup>۲</sup> با اینکه کسب درآمد از وظایفی است که خداوند به عهده مردان گذاشته است.



# همراهان امام زمان (عج) در دوران غیبت

پرسش: آیا امام زمان (عج) در دوران غیبت یاران و همراهانی دارند؟

تصوّر ما از امام زمان (عج)، انسانی است نشسته در بیابان؛ در حالی که ابدال و اوتاد، دست روی دست گذاشته‌اند و غصّه مردم را می‌خورند. مولای ما هرچند یاورانی برای قیام ندارند، اما تنها نیستند و آن‌قدر مسئولیت دارند که وقت نشستن و آه کشیدن برایشان نمی‌ماند. حالا سؤال این است که یاران امام زمان در دوران غیبت چه کسانی هستند؟

در روایتی که از امام محمد باقر (ع) آمده است که:

«صاحب این امر ناگزیر می‌بایست [از مردم] کناره‌گیری کند و او در [زمان] کناره‌گیری خود، ناگزیر از [داشتن] نیرو و توانی است. او با وجود آن سی نفر، هیچ هراسی ندارد.»<sup>۱</sup>

از این روایت معلوم می‌شود که در زمان غیبت، حداقل سی مرد با حضرت مهدی (عج) همراهی می‌کنند. این سی نفر به صورت همیشگی با امام ارتباط دارند و از نزدیکان و مونسان ایشان هستند. یک نفر از این افراد، به طور حتم حضرت خضر نبی (ع) است.



## پنج حلقه یاران

آیت الله ناصری، با توجّه به روایات به این نتیجه رسیده است که در زمان غیبت، حضرت مهدی (عج) همواره یارانی دارند که در پنج گروه تقسیم شده‌اند: همواره پنج گروه از اولیا در محضر آن ولیّ مطلق به سر می‌برند و در خدمت ایشان از جان و دل می‌کوشند. اینان اوتاد، نجبا، نقبا، رجال الغیب و صلحا هستند.<sup>۲</sup> اگر هر کدام از این گروه‌ها را مثل یک حلقه بدانیم، حلقه اولی که همراه امامند، همان اوتاد هستند؛ حلقه بعدی که به دور اوتاد جمعند و از آنها دستور می‌گیرند، نجبا (نجیبان) هستند و به همین ترتیب. در ادامه به معرفی هر گروه می‌پردازیم.



## الف) اوتاد

اوتاد به معنی میخ‌هاست و به معنی افراد با ایمانی است که زمین به برکت وجود آنها استوار مانده است.<sup>۳</sup> «آنها گروهی هستند که یک چشم بر هم زدن هم از پروردگارشان غافل نمی‌شوند و از مال دنیا مگر به اندازه لازم و ضروری جمع نمی‌کنند و لغزش‌های بشری از آنها سر نمی‌زند.»<sup>۴</sup>



ابدال به معنای جانشین و همچنین به معنای کریم و شریف است.<sup>۵</sup> تعداد این حلقه از یاران ۴۰ نفر است<sup>۶</sup> و پیامبر(ص) درباره صفات آنان می‌فرماید:

«پیوسته چهل نفر از امت من هستند که قلب هایشان همانند قلب حضرت ابراهیم است. خداوند به وسیله آنها بلاها را از اهل زمین دور می‌گرداند که به آنان ابدال گفته می‌شود.»<sup>۷</sup>

## ب) ابدال



نجبا جمع نجیب و به معنای مردمان نجیب و اصیل و بزرگ‌زاده و صوفیان معتقدند که نجبا به ۴۰ مرد که مأمور اصلاح احوال مردم هستند، گفته می‌شود.<sup>۸</sup> نجبا از نظر جایگاه و مرتبه معنوی، در درجه‌ای پایین‌تر از ابدال قرار دارند.<sup>۹</sup>

## ج) نجبا

## د) صلحا (صالحان)



صالحان به کسانی اشاره می‌کند که به وظایف و تکالیف شرعی خود عمل و از گناهان پرهیز می‌کنند.

## ه) نقبا (نقیبان)

نقبا کسانی هستند که توان دیدن باطن مردم را دارند و بدین ترتیب، با دانستن مسائل درونی آنها، از آنها دستگیری می‌کنند.<sup>۱۰</sup>



## پی‌نوشت‌ها:

۱. محمد بن یعقوب «الکافی»، ج ۱، ص ۳۴۰.
۲. «آب حیات: مجموعه سخنرانی‌های حضرت آیت‌الله ناصر در مورد امام زمان(عج)»، گردآوری: مجید هادی‌زاده، چاپ چهارم: قم، خُلق، ۱۳۸۶، ص ۳۵۹.
۳. «نهج البلاغه»، ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چاپ سوم، تهران، صائت، ۱۳۸۴، صص ۹۸ و ۹۹.
۴. ر.ک: ابن منظور، «لسان العرب».

۵. «دائرةالمعارف بزرگ اسلامی»، ج ۲، ص ۳۸۴.
۶. «المعجم الكبير»، ج ۱۰، ص ۲۲۴.
۷. «لغت‌نامه (دهخدا)»، ج ۱۴.
۸. ر.ک: «بخارالأنوار»، ج ۵۳، ص ۳۰۱.
۹. سورة اعراف، آیه ۲۰۱.
۱۰. محمد معین، «فرهنگ فارسی»، چاپ هشتم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۶۳۹.

منبع: ابراهیم شفیع سروستانی، ماهنامه موعود، فروردین سال ۱۳۸۹، شماره ۱۱۰؛ با تصرف و تلخیص.



# پاران صادق



اگر نگاهی به دانشگاه‌های امروزی بکنیم، می‌بینیم که با وجود اساتید بسیار و امکانات وسیع، تعداد محدودی دانشجو در هر سال پذیرفته می‌شوند؛ اما حدود دوازده قرن پیش، دانشگاهی بوده است که استادی عالم به تمام علوم، بیش از چهار هزار شاگرد تربیت کردند؛ به طوری که هر یک از آنها خود دانشمندی تمام‌عیار در رشته خود شدند. در این مطلب به طور خلاصه، برخی از این شاگردان را معرفی می‌کنیم.

## ابان بن تغلب

ابان از شخصیت‌های علمی عصر خود بود و در تفسیر، حدیث، فقه، قرائت و لغت تسلط بسیاری داشت. دانش و تسلط او بر مباحث به اندازه‌ای بود که امام باقر(ع) به او فرمودند: «در مسجد «مدینه» بنشین و برای مردمان فتوا بده؛ زیرا دوست دارم مردم چون تویی را در میان شیعیان ما ببینند.»<sup>۱</sup>

## زراره بن اعین

از زندگی شخصی و خانوادگی زراره، اطلاعات دقیقی در دسترس نیست؛ اما از ویژگی‌های اخلاقی و اعتقادی او که امامان(ع) به آنها اشاره کرده‌اند، می‌شود به خوبی فهمید که او یکی از بزرگترین خدمتگزاران اسلام و شیعه بوده و جایگاهی که برای او بیان کرده‌اند، معرف شخصیت بی‌مانندش است.

زراره کسی است که به خاطر فعالیت‌های او، با وجود تمام دشمنی‌ها و از بین بردن روایات و احادیث، هم اکنون بیش از دو هزار روایت به ما رسیده است. کسی که امام صادق(ع) درباره‌اش فرموده‌اند: «خداوند او را بیمارزد که اگر او و همگانش نبودند، سخنان پدرم از بین رفته بود.»<sup>۲</sup>

جابر جوفی، یکی از شاگردان امام باقر و امام صادق(ع) و به شدت مورد اعتماد آنها بود. می‌گویند اگر ۷-۸ مرجع عالی‌قدر را با هم جمع بزنیم، شاید بشود جابر! گرچه در «کوفه» و دور از امام زندگی می‌کرد، اما به طور مداوم بین مدینه و کوفه در رفت و آمد بود تا از بزرگترین معلمان تاریخ، بزرگترین درس‌ها را بیاموزد.



جابر خراسانی، یک شیمی‌دان بزرگ مسلمان است. او در «طوس» داروخانه داشت و مورد اعتماد همگان بود. حیّان، پدر جابر در خراسان کشته شد و جابر که بسیار جوان بود با سپاهیان شیعه از خراسان به کوفه آمد و از آنجا به مدینه، خدمت حضرت باقر(ع) شرفیاب شد و بعدها در ردیف شاگردان امام صادق(ع) قرار گرفت و به قدری به حضرت نزدیک شد که پیوسته مورد لطف و محبت حضرت صادق(ع) بود. آثار او را حدود پانصد جلد گفته‌اند؛ ولی بیشتر آنها از دست رفته است. کتاب‌های «اسرار الکیمیا» و «تصحیحات کتب افلاطون» و... از او است. او در کشورهای اروپایی شهرت فراوان دارد.



بهلول، یکی از شاگردان امام صادق(ع) بود. در اواسط عمر، به دلایلی مجبور شد خود را به دیوانگی بزند تا از شرّ مأموران خلیفه در امان بماند.

ماجرای زیر که دفاع کردن بهلول از امام صادق(ع) را نشان می‌دهد، حسن ختامی است برای این مطلب:

روزی بهلول از کنار خانه ابوحنیفه (از پیشوایان اهل سنت) عبور می‌کرد. در این هنگام شنید که وی به شاگردان خویش می‌گوید: امام جعفر صادق(ع) سه مطلب گفته است که من آن را دوست نداشته و نمی‌پسندم! اول آنکه می‌گوید: شیطان با آتش جهنّم عذاب می‌شود. چگونه شیطان که خود از آتش است، با آتش عذاب می‌شود؟

دیگر آنکه می‌گوید: خدا را نمی‌توان دید. چگونه چیزی را که موجود باشد، نمی‌توان دید؟ سوم آنکه می‌گوید: انسان در کارهای خویش، اختیار دارد.

بهلول کلوخی برداشت و به طرف ابوحنیفه پرتاب کرد و گریخت. کلوخ به پیشانی ابوحنیفه خورد و او را آزرده. پس از دستگیری بهلول، برای شکایت وی را نزد حاکم بردند. بهلول به او گفت: چه آزاری از سوی من به تو رسیده است؟

ابوحنیفه گفت: کلوخی به پیشانی‌ام زده و سر من را به درد آورده‌ای.

بهلول گفت: درد را به من نشان بده؟

ابوحنیفه گفت: درد را چگونه می‌توان دید؟

بهلول گفت: پس چرا می‌گفتی چگونه می‌توان گفت که خداوند موجود است؛ ولی نمی‌توان او را دید؟ به علاوه آن کلوخ خاک بود و تو نیز از خاک هستی، پس نمی‌بایست خاک از خاک آزار ببیند و عذاب شود.

همچنین من تقصیری ندارم و باید از خدا شکایت کنی؛ زیرا تو خود می‌گفتی انسان اختیاری از خود ندارد و همه کارها به دست خداست. پس چرا تو مرا نزد حاکم آورده و ادّعیای قصاص می‌کنی؟<sup>۳</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. «مستدرک الوسائل»، ج ۱۷، باب ۱۱؛ با استفاده از کتاب «پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی»، رساله دانشجویی، سید مجتبی حسینی.
۲. «اختیار معرفة الرجال»، ج ۱، ص ۳۴۵.
۳. مجله «فرهنگ کوثر»، فروردین ۱۳۷۸، شماره ۲۵، ص ۶۴.

# خدای می شویم؟

مریم محبتی

دستانش را بالا آورد و همه جا را سکوت فراگرفت. به جز صدای خش خش پنکه سقفی دیگر صدایی نبود. همه منتظر بودند تا دوباره بعد از مدّت‌ها صدایش را بشنوند. بالاخره قرار بود خدایشان با آنها حرف بزند.

یکی از کسانی که کنار مرد، روی صندلی نشسته بود، گفت: سؤالاتان را از پروردگار بپرسید. هر کس فقط یک سؤال.  
یکی از میان جمع پرسید: پروردگارم! شما که تا چند ماه پیش در مقام نبوت بودید. آیا سلسله مراتب کمال آدم را به الله شدن می‌رساند؟ یعنی ممکن است ما هم روزی خدا شویم؟

مرد در حالی که پارچه روی صورتش تکانی خورد، بدون اینکه کلامی بگوید، سرش را به نشانه تکان داد.

دوباره همه سکوت کردند. ناگهان سکوت اتاق با شکسته شدن در اتاق به هم خورد و جمعیتی با لباس نظامی وارد شدند.

همه دستگیر شدند؛ اما جز خدای دروغین و دستیارانش که مردم را فریب داده بودند، بقیه آزاد شدند. جهالت بر اساس قانون، جرم نبود!



# پیشوایان تاریکی: دشمنی ریشه‌دار قریش

محمد مدرّسی



از دیگر دشمنان حضرت خاتم(ص) در میان قریش، ابولهب و همسر نادانش بود. **ابولهب**، عمو و همسایه پیامبر(ص) بود. از نخستین روز دعوت، از همان زمان که حضرت محمد(ص) بر بلندی‌های کوه صفا فریاد زدند: «و صبح رسید» کارشکنی‌ها و تیر تهمت‌های او به رسول خدا(ص) آغاز شد.<sup>۲</sup>

**ام جمیل**، خواهر ابوسفیان و همسر ابولهب بود. او نیز در آزار رسول خدا(ص) دست کمی از شوهرش نداشت. او بر سر راه پیامبر خار می‌ریخت و علیه او فتنه‌گری می‌کرد. او حتی یکبار در حالی که شعری در هجو رسول خدا(ص) می‌خواند، با سنگی به قصد حمله کردن به ایشان، به سمتش حمله کرد؛ ولی با آنکه در برابر پیامبر(ص) ایستاده بود، به اذن خداوند، ایشان را ندید و بازگشت.<sup>۳</sup> کار مخالفت این زن و شوهر تا جایی بالا گرفت که به پسرانشان دستور دادند که دختران پیامبر(ص) که همسران آنها بودند، طلاق بدهند تا رسول خدا(ص) گرفتار معیشت آنان شود و از دعوت به اسلام بازماند.<sup>۴</sup>

از دیگر دشمنان رسول اکرم(ص) **ابوجهل** بود. او می‌گفت: ما و فرزندان قُصی (از اجداد رسول خدا(ص)) در بزرگی به تنازع برخاستیم، اطعام کردند، اطعام کردیم تا به نزدیک هم رسیدیم، گفتند: از ما پیامبری است! این را دیگر نفهمیدیم. به خدا سوگند هرگز تصدیقش نخواهیم کرد.<sup>۵</sup> او کسی بود که در شورای «دارالندوه»، پیشنهاد قتل رسول خدا(ص) را مطرح کرد. او یک بار، با سنگی سر راه پیامبر(ص) نشست و تصمیم داشت زمانی که پیامبر(ص) به سجده می‌رود، ایشان را به قتل برساند؛ اما به لطف خداوند، او به خاطر دیدن صحنه‌ای ترسناک که کس دیگری ندید، به شدت ترسید و پا به فرار گذاشت.<sup>۶</sup>

پی‌نوشت‌ها:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، «معانی الأخبار»، ترجمه محمدی، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۳۱۰.
۲. تفسیر سوره مسد؛ به نقل از عسکری، سید مرتضی، «نقش ائمه در احیای دین»، ج ۱، ص ۶۶۴.
۳. ابن هشام، «السیره النبویه»، ج ۱، صص ۳۷۸-۳۷۹.
۴. «نقش ائمه در احیای دین»، ج ۱، ص ۶۶۴.
۵. احمدین اسحاق؛ کتاب «السیبر و المغازی»، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۴۱۰، چاپ اول، ص ۲۱۰.
۶. سبحانی، جعفر، «فروغ ابدیت»، ج ۱، ص ۲۳۰.

شاید بتوان گفت در میان کافران و مشرکان، هیچیک به اندازه خاندان قریش و از خاندان قریش، هیچکس به اندازه ابوسفیان با رسول خدا(ص) دشمنی نکردند. ژرفای دشمنی **ابوسفیان** آنقدر با رسول خدا(ص) عمیق و ریشه‌دار بود که این دشمنی، نسل اندر نسل در میان فرزندان او گشت و تمامی فرزندان او با اهل بیت(ع) مسیر دشمنی را طی کردند؛ چنانچه امام صادق(ع) فرموده‌اند: «ما و خاندان ابوسفیان دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر(ص) مبارزه کرد و معاویه با علی(ع) و یزید با حسین بن علی(ع) به مخالفت برخاستند و سفیانی نیز با قائم(عج) خواهد جنگید.»<sup>۱</sup>

# از بیگانگان بترس!

مرحوم آیت‌الله بهجت درباره اهمیت دادن به روح و جان می‌گفتند:

بترس برای دین! بترس برای خدا! افسار خودت را نده به دست کسی که نمی‌شناسی و او را معیت (همراهی) نکن. کاملاً خودت را حفظ کن. اگر بشر آن قدر که به جسمش اهمیت می‌دهد، به روحش اهمیت می‌داد، دیگر هیچ غم و غصه‌ای نداشت.

منبع: «بهجت عارفان در حدیث دیگران»، ص ۲۷، ۲۰۵.





## فابینگ داری؟

مریم محبتی



دارم صحبت می‌کنم؛ اتفاقاً حرف‌هایمان هم جدی است؛ اما بین حرف‌ها، نگاهش از چشمانم گرفته می‌شود و به گوشی دوخته می‌شود، برای حفظ احترام می‌گویم: گوشم با شماست! یعنی حرفت را ادامه بده. همین‌طور که حرف می‌زنم، می‌بینم در حال لبخند زدن است؛ در حالی که حرف‌هایم خنده‌دار نیست. بلافاصله شروع می‌کند به تایپ کردن در گوشی. سکوت می‌کنم. بعد از حدود یک دقیقه متوجه می‌شود که سکوت کرده‌ام و دیگر حرف نمی‌زنم. به چشمانم نگاه می‌کند و انگار تازه فهمیده باشد چه اتفاقی افتاده، می‌گوید: آرررره دیگه همین‌که گفتمی! دلم می‌خواهد بیرسم، واقعاً فهمید چه گفتم یا نه؛ ولی راستش دیگر دلم نمی‌خواهد با او حرف بزنم.

احتمالاً این اتفاق برای خیلی‌هایمان افتاده باشد. طی سال‌های گذشته این اتفاق آن‌قدر همه‌گیر شده که تعدادی زبان‌شناس دور هم جمع شده‌اند و برایش اسم هم انتخاب کرده‌اند. **فابینگ**<sup>۱</sup>.

فابینگ عملی است که باعث می‌شود افراد در محیط‌های اجتماعی یا خانوادگی به جای توجه به دیگران، به تلفن خود نگاه کنند. یا به عبارت ساده‌تر: **بی‌اعتنایی به دیگران با نگاه کردن به تلفن همراه.**

حس سرخوردگی ناشی از این رفتار را احتمالاً شما هم تجربه کرده‌اید. حال فکر کنید این رفتار در میان اعضای خانواده رخ دهد. فرقی نمی‌کند؛ چه تعامل همسران با هم باشد، چه تعامل با فرزندان، چه تعامل با پدر و مادر. در هر حال حس سرخوردگی ناشی از این موضوع، خدشه شدیدی به ارتباطات و تعاملات واقعی ما می‌زند تا جایی که بسیاری از پژوهشگران سال‌های اخیر به بررسی تأثیرات فابینگ بر روی ارتباطات میان فردی و سلامت روان پرداخته‌اند.

### فابینگ چیست؟

با بررسی سه مورد زیر می‌توانید بفهمید آیا شما هم دچار فابینگ هستید یا نه:

۱. هم‌زمان هم با گوشی خود مشغولید و هم با اطرافیان صحبت می‌کنید و گاهی در بحث‌هایشان شرکت می‌کنید؛
۲. تلفن همراهتان را از خود جدا نمی‌کنید و هم‌زمان با فعالیت‌های مختلف، مثل غذا خوردن، تلویزیون دیدن و... گوشی کنار دست شماست و هر چند لحظه صفحه آن را روشن می‌کنید؛
۳. بدون چک کردن تلفن همراهتان، استرس دارید و نمی‌توانید به سایر کارهای روزمره‌تان پردازید.

### آیا فابینگ دارم؟

آیا شما هم مبتلا به فابینگ هستید؟

پی‌نوشت:

1. Phubbing.

شاید تمیز بودن در نگاه اول ساده به نظر برسد؛ اما آدم‌هایی که گاه و بی‌گاه در جامعه و خانواده با آنها برخورد می‌کنیم، این نگاه را کاملاً تغییر می‌دهند. افرادی که حس فرار را به دیگران القا می‌کنند! شما چطور؟ جزو کدام دسته‌اید؟ فراری‌دهنده یا فرارکننده؟



## حمام برویم!

اولین و بدیهی‌ترین راه تمیزی، استحمام است. خیلی طبیعی است که بدن انسان هر روز تعرق داشته باشد و طبیعی‌تر اینکه این عرق، بوی مطلوبی هم ندارد. پس ضروری است، برای اینکه خودمان و دیگران را آزار ندهیم، بدنمان را تمیز نگه داریم. چرا که خدا دشمن می‌دارد بنده پلیدی را که هر کس کنارش بنشیند، بینی‌اش را بگیرد.<sup>۱</sup>



حمام بروید. لباس‌هایتان را عوض کنید. عطر و مسواک بزنید و بعد بنشینید و این مطلب را بخوانید. به نفع خودتان است؛ زیرا در انتهای مطلب قضاوت بهتری نسبت به خودتان خواهید داشت!

## لباس‌هایمان را بشوییم

خیلی از افراد، مورد بالا را رعایت می‌کنند؛ اما متأسفانه هر بار همان لباس‌های قبلی را می‌پوشند! به یک لباس کثیف، هر چقدر هم که عطر بزنیم، نمی‌توانیم بوی بدش را پنهان کنیم. حتی گاهی آن را بدبوتر هم می‌کنیم! پس بهتر است توصیه رسول اکرم(ص) را اجرا کنیم و لباس‌هایمان را بشوییم.<sup>۲</sup>



مسئلاً هیچ کس از بوی خوب و مطبوع بدش نمی‌آید. پس برای اینکه در جامعه بتوانیم تعاملات خوبی داشته باشیم، بهتر است همیشه خوشبو و تمیز باشیم. امام صادق(ع) فرموده‌اند: «پیامبر(ص) برای بوی خوش و عطر، بیشتر از خوراک خرج می‌کردند.»<sup>۳</sup>

## عطر بزنیم!



## خوراکی بدبو نخوریم!

اگر یک خروار سیر و پیاز خام با غذای خود نوش جان کرده‌ایم، تا یک روز از خانه بیرون نیاییم! خوردن بعضی غذاها سبب ایجاد بوی بد در دهان می‌شوند و عامل اصلی آن هم هضم غذا است. پس هر چقدر هم مسواک بزنیم و آدامس بجویم و آب‌نبات بخوریم، هر چند از بوی بد دهانمان کاسته‌ایم، اما آن را از بین نبرده‌ایم. پس بهتر است این مواد را در ایام غیر تعطیل و روزهای کاری استفاده نکنیم تا دیگران بتوانند مقابلمان بایستند و به حرف‌هایمان گوش کنند!





## به پاهایمان اهمیت بدهیم!

پا، قلب دوم ماست. اغلب ما که به بیرون و محیط‌های اجتماعی می‌رویم، ناگزیر مدّت زمانی کفش به پا می‌کنیم و همه می‌دانیم که پا در کفش عرق می‌کند و بوی نامطبوعی می‌گیرد. این مسئله زمانی حسّاس می‌شود که مجبور شویم کفش‌هایمان را در بیاوریم. حضرت علی(ع) می‌فرمایند: «خداوند اسلام را بر پاکیزگی بنیان نهاده و جز مردم پاکیزه، کسی به بهشت نمی‌رود.»<sup>۴</sup>

در مسایل اجتماعی و روابط جمعی، اعتقاد بر این است که ما در اوّلین برخورد با دیگران، درصد زیادی از شخصیتمان را با ظاهر خود، به دیگران نشان می‌دهیم؛ یعنی درصد قابل توجهی از شخصیت ما، ظاهر ماست.



دوست دارید دیگران شما را با چه شخصیتی بشناسند؟



سایر راه‌های تمیز بودن را در زندگی شخصی خود پیدا کنیم و به کار ببریم؛ زیرا خیلی از مسائل شخصی و سلیقه‌ای است؛ مثلاً کسی که بیماری خاصّ دندان و لثه دارد، یا کسی که عرقش نسبت به دیگران تندتر است یا کسی که می‌داند مدّتی طولانی در خیابان است و... باید بیشتر به فکر تمیزی باشد.

پی‌نوشت‌ها:

۱. امام علی(ع)، «وسائل الشّیعه»، ج ۱، ص ۱۷۶.
۲. «نهج الفصاحه»، ص ۷۲، رقم ۳۷۸.
۳. «وسائل الشّیعه»، ج ۱، ص ۴۴۳.
۴. «نهج الفصاحه»، ص ۷۲، رقم ۲۳۸.

# چطوری طبیعت را نابود کردیم؟



به گزارش «همشهری آنلاین» ذوب شدن یخ‌های قطب شمال در فصل گرم سال ۲۰۲۰م. اوج تازه‌ای یافت و سبب شد برای دومین بار در ۴۲ سال گذشته، از حجم کل این توده یخی به میزان قابل توجهی کاسته شود.

یخ‌های قطبی در تابستان آب می‌شوند و در زمستان دوباره شکل می‌گیرند و تصاویر ماهواره‌ای از سال ۱۹۷۹م. به این سو، نشان می‌دهد که هر سال حجم یخ در این چرخه کمتر می‌شود.

## آشنایی با گرمایش جهانی

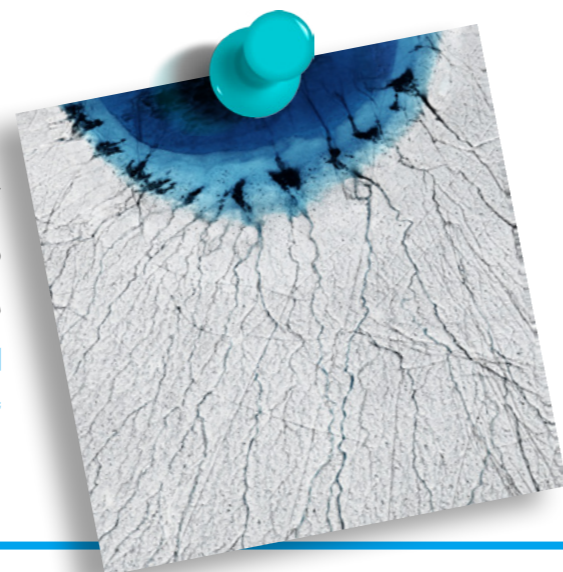
ذوب این یخ‌ها علاوه بر آنکه به حیات وحش قطبی از پلانکتون‌های دریا گرفته تا زندگی خرس‌های قطبی آسیب می‌رساند، همچنین بر چرخه تغییر آب و هوای دیگر نقاط جهان هم تأثیر مستقیم دارد.



پژوهشگران اقلیمی همچنان هشدار می‌دهند که برای مهار گرم شدن زمین و کنترل تغییرات ناخواسته اقلیمی نباید فرصت را از دست داد. سال به سال، دریاچه‌های «گرینلند» بزرگتر می‌شوند و توده‌های یخ به آرامی ذوب می‌شوند. از سال ۲۰۰۹م. صفحات یخی گرینلند سالانه حدود ۴۱۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تن از یخ‌های خود را دست می‌دهند. این سه برابر بیشتر از سهم قطب جنوب است.



عکاس هوایی «تیمو لیبر» با استفاده از عکاسی فاین آرت، به بیان داستانی درباره آسیب‌پذیری سیاره‌مان می‌پردازد. پروژه اخیر او در حال بازدید از گرینلند، توده‌های یخ و رشد دریاچه‌ها را از دید هواپیماهای کوچک و هلیکوپتر نشان می‌دهد.



تصاویر به دست آمده، هم خیره‌کننده و هم ترسناک هستند. از منظر فاین آرت، تعادل رنگ‌ها و ترکیب‌بندی مهیج بصری، بیننده را به سوی خود جلب می‌کند؛ اما از منظر زیست‌محیطی، هشدار ترسناک درباره اثرات گرمایش جهانی به شمار می‌رود.